

اصول و مبانی نظریه فرصت جرم

غلامرضا محمدنسل*

دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۷/۱۰ تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۹/۲۸)

چکیده:

نظریه‌های گوناگونی در زمینه تبیین علل وقوع جرم و روش‌های پیشگیری از آن ابراز شده است. برخی از این نظریه‌ها علل بسیار دور را مورد بررسی قرار می‌دهند و به عواملی مانند وراثت و تربیت اوان کودکی می‌پردازند. عده‌ای دیگر از نظریه پردازان علل قریب به وقوع جرم را مورد مطالعه قرار داده و رویکردی عینی‌تر و کاربردی‌تر در مطالعه علل و عوامل وقوع جرم دارند. نظریه فرصت جرم، از دسته اخیر به شمار می‌رود. این نظریه، ارتکاب جرم را ناشی از تقارن فرصت جرم دانسته و معتقد است اصلی‌ترین راه برای پیشگیری از جرم، از بین بردن فرصت‌های جرم است. در حال حاضر، این نظریه پایه و اساس بسیاری از روش‌های مکانیکی پیشگیری از جرم قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

پیشگیری از جرم - کاهش جرم - فرصت جرم - پیشگیری اجتماعی - پیشگیری وضعی - کاهش فرصت جرم

Email: g_mnasl@yahoo.com

* فاکس: ۰۲۶۱۳۴۰۲۳۲۷

از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در همین مجله منتشر شده است:

«بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران»، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۶۴.

مقدمه

در تبیین علل وقوع جرم تاکنون نظریات مختلفی ارائه شده است. یکی از نظریه‌هایی که در چند دهه اخیر در جرم‌شناسی ظهور پیدا کرده است، نظریه فرصت جرم^۱ است. تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزه‌کار و بزه‌دیده، جرم واقع نمی‌شود بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب نیز فراهم باشد. این همان امری است که ما در فلسفه تحت عنوان فراهم بودن مقتضیات و فقدان موانع می‌شناسیم. پس تئوری فرصت از نقش مثبت شرایط زمینه‌ساز وقوع جرم و نقش منفی عوامل مانع وقوع جرم، صحبت می‌کند و مدعی است که افزایش فرصت‌های ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرایم را هم افزایش داده و برعکس کاهش فرصت‌های ارتکاب، احتمال وقوع جرایم را تقلیل می‌دهد. اصول این نظریه ابتدا توسط کوهن، کلوگل و لند^۲ تدوین و ارائه شده (سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۷) و سپس توسط فلسون و کلارک^۳ تکمیل شده است.

هر چند که ارائه رسمی این نظریه عمر چندانی ندارد، اما از آنجا که اساس آن بر مبنای واقعیت‌های ملموس زندگی انسان گذاشته شده است، لذا منطقی زیربنای این نظریه، عمری دیرینه دارد و در واقع مانند بسیاری از واژه‌های جدید جرم‌شناسی است که بدون ذکر نام مستقل، در فرهنگ جوامع وجود داشته و پدران ما طی قرن‌ها با آن آشنا بوده و در عمل از آن بهره‌برداری می‌کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۴۰). تاریخ زندگی بشر و تدابیر گوناگون اتخاذ شده جهت مهار فرصت‌های ارتکاب جرم، مثبت این ادعاست.

آموزه‌های فراوانی در تعالیم اخلاقی و دینی ما وجود دارد که هدف غایی آنها پیشگیری از تکوین فرصت‌های ارتکاب جرم است. البته بیشتر این آموزه‌ها در قالب نواهی و در لفافه حرمت و کراهت بیان شده‌اند لیکن عملکرد آنها بسیار جامع است و نظریه فرصت را نیز در بر می‌گیرد. مساله حجاب ظاهر و درون، حرمت خلوت با

¹ Crime Opportunity Theory

² Cohen, L. E., Kluegel, J.R. & Land, K. C. (1981)

³ Felson and Clarke

نامحرم، حرمت چشم‌چرانی و تحریک و موارد زیاد دیگری از این دست، اصلی‌ترین عملکردشان از بین بردن فرصت‌های جرم است. ادبیات و فرهنگ غنی فارسی نیز سراسر مملو است از اشعار و حکایت‌ها و نصایح پرمغز برای شناخت و از بین بردن فرصت‌های کجروی و بزهکاری.

در این مقاله در صدد آشنایی بیشتر با نظریه فرصت جرم هستیم. برای نیل به این مقصود، ابتدا مبانی نظریه فرصت را به اختصار بیان نموده (الف) و سپس اصول مشتق از این نظریه را از دیدگاه فلسون و کلارک تشریح می‌کنیم (ب) و نهایتاً بحث را با نتیجه‌گیری خاتمه خواهیم داد (ج).

الف- مبانی نظریه فرصت

در بررسی مبانی نظریه فرصت، رد پای سه دیدگاه معروف تبیین جرم به چشم می‌خورد. هر یک از این سه دیدگاه (دیدگاه فعالیت روزمره^۱، دیدگاه الگوی جرم^۲ و دیدگاه انتخاب معقول^۳)، ارتکاب جرم را از زاویه‌ای بررسی کرده و نهایتاً همه به این نقطه مشترک رسیده‌اند که فرصت‌های جرم اهمیت فراوانی در وقوع جرم یا پیشگیری از آن دارند. برای شناخت بیشتر مبانی نظریه فرصت جرم، ابتدا ویژگی‌های هر یک از این سه دیدگاه را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم.

۱- دیدگاه فعالیت روزمره

این نظریه توسط کوهن و فلسون^۴ ارائه گردیده (سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۸) و ابتدا در بزه‌شناسی^۵ مطرح و سپس در جرم‌شناسی هم مورد استفاده قرار گرفته است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶۰).

¹ The Routine Activity Approach

² The Crime Pattern Theory

³ The Rational Choice Perspective

⁴ Cohen, L. E. & Felson, M. (1979)

⁵ Victimology

دیدگاه فعالیت روزمره بر این فرض مبتنی است که برای وقوع جرم باید میان حداقل سه عامل، تقارن زمانی و مکانی وجود داشته باشد. این سه عامل عبارتند از: وجود بزهکار احتمالی تحریک شده^۱، وجود آماج بزه مناسب^۲ و بالاخره، فقدان محافظ کارآمد برای جلوگیری از وقوع جرم^۳.

اول- وجود بزهکار برانگیخته: نخستین شرط ارتکاب بزه، وجود بزهکار بالقوه‌ای است که شرایط موجود او را به حد کافی تحریک به ارتکاب جرم کرده باشد. این دیدگاه در راهبردهای پیشگیرانه خود، همه افراد را به نحوی مستعد بزهکاری می‌داند یعنی حذف بزهکاران بالقوه را امری ناممکن دانسته و در عوض بر سرمایه‌گذاری در زمینه دو عنصر دیگر یعنی تقلیل آماج بزه و ارتقای محافظت موثر از آماج جرم، تمرکز می‌کند. (همان، ص ۹۱۷)

دوم- وجود آماج جرم مناسب: آماج جرم می‌تواند شخص یا مال یا مکان خاصی باشد. وجود برخی ویژگی‌ها در افراد یا اماکن یا اموال، آنان را به آماج بالقوه جرم تبدیل می‌کند و امکان بزه دیدگی آنان را نسبت به سایرین بالاتر می‌برد. این شرایط و ویژگی‌ها در خصوص جرایم مختلف، متفاوت است. محققین مطالعات فراوانی در خصوص شرایطی که آماج را مستعد بزه می‌کند، انجام داده‌اند و تلاش کرده‌اند تا ضابطه‌هایی را برای تشخیص موارد زمینه‌ساز بزه‌دیدگی تعیین نمایند. این معیارها برای جرایم مختلف متفاوت است. مثلاً در مورد جرم سرقت تاکنون دو شاخصه تعیین شده است.

نخستین شاخصه به اختصار با ویوا^۴ بیان شده که از ترکیب نخستین حروف چهار کلمه لاتین تشکیل شده است که معنی آنها به ترتیب عبارتند از: ارزش داشتن، قابل حمل بودن، قابل مشاهده بودن، و در دسترس بودن. یعنی در مواردی که مالی ارزشمند

^۱ A likely and motivated offender

^۲ A suitable target

^۳ The lack of a suitable guardian to prevent the crime from happening

^۴ VIVA: Value, Inertia, Visibility, Access

و قابل حمل بوده و در معرض مشاهده افراد متعدد گذاشته شده و قابل دسترسی باشد، احتمال سرقت آن بیشتر خواهد بود.

شاخصه دیگر که به اختصار با کراود^۱ بیان شده، مخفف ۶ کلمه لاتین است و به ترتیب به معنی قابل پنهان کردن، قابل انتقال بودن، قابل دسترس بودن، گرانها بودن، لذت بخش بودن و قابل مصرف بودن است. این شاخصه نیز علاوه بر معیارهای قبلی، لذت بخش بودن و قابل مصرف بودن را موجب افزایش بزه دیدگی آماج جرم سرقت می داند.

همان گونه که گفته شد، خصوصیات آماج مستعد بزه از جرمی به جرم دیگر متفاوت است و می توان با بررسی و تحلیل جرایم، این خصوصیات را در خصوص هر جرم و هر جامعه ای استخراج نمود. فایده عملی این مطالعات آن است که می توان از طریق شناسایی عوامل مذکور، تدابیر پیشگیرانه را سازماندهی کرد.

سوم- فقدان محافظ کارآمد: وجود محافظ یکی از موانع جرم به شمار می رود. منظور از محافظ هر شخص یا حیوان یا شیئی است که حضور موثر آن موجب بازدارندگی از جرم شود. بنابراین، واحد گشت پلیس، دربان مجتمع مسکونی، همسایه هوشیار، دوربین مدار بسته، سگ نگهبان، جدار شیشه نشکن و غیره، همگی به عنوان محافظ عمل می کنند. آنچه که خیلی مهم است، این است که در نبود محافظ، هر هدفی به طور ویژه در معرض خطر واقعه مجرمانه قرار می گیرد.

به دلیل نقش کلیدی محافظ به عنوان مانع و رادع وقوع جرم است که جرایم می توانند بدون افزایش تعداد بزهکاران و صرفاً به دلیل بالا رفتن میزان آماج جرم بی دفاع یا کم دفاع، افزایش پیدا کنند و درست بر همین اساس است که سرقت از منازل در مناطق شهری و جوامعی که افراد خانواده در طول روز در خارج از منزل به کار اشتغال دارند، بالاتر است؛ زیرا ترک خانه توسط اعضای خانواده در طول روز، شانس وقوع سرقت از منازل مذکور را افزایش می دهد.

^۱ **CRAVED:** Concealable, Removable, Available, Valuable, Enjoyable, Disposable

ارائه‌دهندگان نظریه فعالیت روزمره جرم همچنین به همبستگی میان شیوه زندگی^۱ و جرم معتقد بوده و مدعی هستند که دقیقاً همان متغیرهایی که فرصت‌های برخورداری از مزایای زندگی را افزایش می‌دهند، فرصت‌های وقوع خشونت و جرم را هم فزونی می‌بخشند؛ برای نمونه، می‌توان دید که استفاده از خودرو، همان‌گونه که هم برای یک شهروند عادی و هم برای یک مجرم، مجال برخورداری از سرعت عمل و تحرک بیشتر را فراهم می‌آورد، آماج‌هایی آسیب‌پذیر را نیز برای جرم سرقت خودرو تدارک می‌بیند. فعالیت‌هایی مانند حضور در ساعت معین کلاس درس در دانشگاه‌ها، حضور زنان در عرصه کار و فعالیت اجتماعی، گسترش شهرنشینی، سکونت در حومه شهر، استفاده از ابزارهای جدید الکترونیک، نیز به همان شکل که زمینه فرار از محدودیت‌های خانه‌نشینی را فراهم می‌سازند، خطر بزه‌دیدگی را هم افزایش می‌دهند. (سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۸)

۲. نظریه الگوی جرم

نظریه الگوی جرم، به عنوان جزئی اساسی از جرم‌شناسی محیطی، بر این امر توجه دارد که چگونه مردم و اموال در فرآیند تکوین جرم در زمان و مکان مربوط به واقعه مجرمانه قرار می‌گیرند. این نظریه با عنایت به دیدگاه فعالیت روزمره، سه مفهوم اصلی گره، گذرگاه و لبه^۲ را مطرح می‌سازد.

منظور از گره، جاهایی است که مقصد یا مبدأ سفرهای شهری به شمار می‌روند. رایج‌ترین گره‌ها در زندگی روزمره مردم محل‌های سکونت، کار، تحصیل یا تفریح هستند. گذرگاه‌ها مسیرهای بین گره‌ها هستند، یعنی مسیرهایی که مردم برای رفتن از یک گره به گره دیگر در آن تردد می‌کنند، مانند خیابان‌ها و کوچه‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی که افراد برای رفتن به محل کار یا برگشت به منزل از آن استفاده می‌کنند. سومین مفهوم از نظریه الگوی جرم یعنی لبه، اشاره به مرزهای گره‌ها یعنی مرزهای مناطقی دارد که مردم در آن زندگی یا کار می‌کنند یا به دنبال سرگرمی هستند.

¹ life style

² node, path, and edge

به موجب نظریه الگوی جرم، هر بزهکاری در اطراف گره‌های فعالیت روزمره خود (خانه، مدرسه و محل سرگرمی) و گذرگاه‌های بین این گره‌ها به دنبال طعمه خود می‌گردد و بر همین اساس است که مردم بیشتر در گذرگاه‌هایی که در فعالیت روزمره خود طی می‌کنند، مورد بزه واقع می‌شوند. بر این اساس، نظریه الگوی جرم در تبیین و تجزیه و تحلیل جرم به توزیع جغرافیایی جرم و آهنگ فعالیت روزمره زندگی توجه خاصی را معطوف می‌کند.

درصد کمی از جرایم در گره‌ها اتفاق می‌افتند زیرا میزان تأمین امنیت و محافظت در گره‌ها بالاتر است با این حال جرایمی مانند خشونت‌های خانوادگی و بدرفتاری علیه کودکان و سرقت از منازل، بیشتر در گره‌ها اتفاق می‌افتند. برعکس، امکان بزه‌دیدگی در گذرگاه‌ها در سایر جرایم بالاتر است. به عنوان مثال جیب‌بری و حمله و تهاجم جنسی و اخاذی و جرایمی از این قبیل در گذرگاه‌ها اتفاق می‌افتند زیرا بیرون از منزل بودن شاگردان مدارس، بسته بودن مراکز تفریحی، ازدحام مردم در وسایل حمل و نقل عمومی، شلوغی و تراکم پیاده‌روها و هر جریان دیگری که مردم را میان گره‌ها و در طول گذرگاه‌ها حرکت می‌دهد، فرصت را برای بزهکاران فراهم می‌کند.

برخی دیگر از جرایم، مانند حملات نژادپرستانه، سرقت از مغازه‌ها یا کش رفتن اجناس، بیشتر در لبه‌ها اتفاق می‌افتند، زیرا مردم محلات مختلف که یکدیگر را نمی‌شناسند، در لبه‌ها دور هم جمع می‌شوند.

نظریه الگوی جرم در تجزیه و تحلیل جغرافیایی جرم و حل معمای جرایم زنجیره‌ای اهمیت زیادی دارد. نکته بسیار مهم دیگر آن است که نظریه‌پردازان الگوی جرم و سایر جرم‌شناسان محیطی نشان داده‌اند که طراحی و مدیریت محله، شهر و مناطق تجاری می‌تواند تغییرات اساسی در نرخ جرایم ایجاد کند.

۳. دیدگاه انتخاب معقول

نظریه انتخاب معقول یا گزینش عقلانی جرم یکی از جدیدترین صورت‌های تبیین‌های ساختی کجروی است که نتلر^۱ آن را ارائه کرده است (سلیمی، ۱۳۸۰، ص ۴۴۷). این دیدگاه بر روند تصمیم‌گیری بزهکار تمرکز دارد و فرض اصلی آن به این صورت است که بزهکاری رفتاری ارادی است که هدف آن سود رساندن به بزهکار است. بزهکاران در زمان ارتکاب جرم اهداف مخصوص به خود را دارند ولو اینکه این هدف‌ها کوتاه‌بینانه بوده و تنها منافع و مضار اندکی را مورد محاسبه قرار داده باشند و به اصطلاح مرتکب تا نوک دماغ خود را دیده باشد.

هر دسته از بزهکاران، محاسبات متفاوتی را در ارتکاب جرم مدنظر قرار می‌دهند. این حساب‌گری‌ها شرایط انتخاب آماج بزه را تعیین می‌کنند. به عنوان مثال دزدانی که به خاطر تفریح ماشین می‌دزدند، اتومبیلی را برای سرقت انتخاب خواهند کرد که شتاب بالایی داشته و برای رانندگی لذت‌بخش باشد، سارقین اوراقچی، ماشینی را می‌دزدند که قطعات آن کمیاب و گران باشد. کسانی که ماشین را برای فروش مجدد سرقت می‌کنند، معمولاً ماشین‌های لوکس و قابل فروش را سرقت می‌کنند. در سرقت ماشین برای استفاده از آن در عملیات اجرایی جرایم دیگری مانند سرقت مسلحانه، سارق احتمالاً بالا بودن شتاب و سالم بودن موتور و قابلیت اعتماد به کارکرد آن را در نظر خواهد گرفت. برعکس، کسانی که فقط می‌خواهند ماشینی را بدزدند تا خود را به مقصدی برسانند، ممکن است ماشینی را انتخاب کنند که دزدیدن آن راحت‌تر باشد.

دیدگاه انتخاب معقول، تلاش دارد دنیا از منظر بزهکاران ببیند. این نظریه به دنبال درک آن است که چگونه بزهکار ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند. نظریه انتخاب معقول این تصور را از بزهکار دارد که وی پیش از عمل تفکر می‌کند (ولو برای چند لحظه) و لاقلاً برخی از منافع و هزینه‌های ارتکاب بزه را محاسبه می‌کند. معمولاً، محاسبات بزهکاران مبتنی بر اموری است که آشکارتر و فوری‌تر است و عموماً از هزینه‌ها و منافع دوردست جرم غافل می‌شوند. بر همین اساس هم، بزهکاران عادی توجه بسیار

¹ Nettler . G

کمی به مجازات احتمالی یا صدمات دراز مدت جرم یا خطر دستگیری در محل ارتکاب جرم، معطوف می‌کنند.

پیروان این نظریه مطالعات متفاوتی را در راستای تکامل و توسعه نظر خود انجام داده‌اند. مثلاً در یکی از مطالعات انجام شده در این رابطه، از بزهکاران خواسته شد سوالاتی را در مورد جرایم خود (آنچه که می‌خواستند، آنچه که فکر می‌کردند و آنچه که عمل کرده‌اند)، پاسخ دهند. به عنوان مثال محققین سارقین را سوار بر ماشین از خیابان‌ها عبور داده و با نشان دادن ماشین‌ها، از آنان سوال می‌کردند که چرا ماشین را که در خیابان پارک شده سرقت می‌کنند و ماشین دیگری در کنار آن را، نمی‌زدند؟ چرا به خانه‌ای دستبرد می‌زنند و به خانه‌ای دیگر دستبرد نمی‌زنند؟ چرا زمانی سرقت می‌کنند و زمانی دیگر نمی‌کنند؟ آنان با جمع‌آوری پاسخ‌ها، به دنبال کشف قواعد حاکم بر تفکر بزهکاران و ابداع راهکارهای پیشگیرانه متناسب با این واقعیت‌ها بوده‌اند.

گروهی دیگر از محققین با اشخاصی که اجناس را از مغازه‌ها کش می‌روند، همراه شدند تا ببینند که آنها چه اقلامی را برای ربودن انتخاب کرده‌اند. نحوه چیدن قفسه چه تأثیری بر انتخاب آنان داشته است و آنها در مورد عمل غیرقانونی خود، چه تصویری دارند.

ب- اصول نظریه فرصت و جرم

فلسون و کلارک ده اصل را به عنوان اصول نظریه فرصت برشمرده‌اند. در این قسمت از نوشتار هر یک از این اصول را به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اصل اول- فرصت در وقوع تمام جرایم نقش دارد.^۱

در ابتدای طرح نظریه فرصت، مصادیق آن بیشتر مرتبط با سرقت و اخاذی بود و بر همین اساس برخی به اشتباه چنین نتیجه‌گیری می‌کردند که فرصت ارتکاب جرم فقط

¹ Opportunities play a role in causing all crime.

در جرایم علیه اموال مصداق دارد، در حالی که گذشت زمان ثابت کرد که این استنباط صحیح نیست و نظریه فرصت در مورد تمام جرایم قابل صدق است.

بیشترین چالش در برابر تعمیم نظریه فرصت را در خصوص جرایم خشونت‌آمیز عنوان نموده و تردید کرده‌اند که آیا فرصت در ارتکاب جرایم خشونت‌بار نیز نقش خاصی را ایفا می‌کند یا خیر. جرم‌شناسان سال‌ها جرایم خشونت‌بار را اقداماتی غیرمعقول و بدون برنامه‌ریزی و احساسی ارزیابی کرده و معتقد بودند که تصمیم یا فرصت در این جرایم جایگاهی ندارند. اما، اخیراً شروع به طرح این بحث کرده‌اند که هر خشونت‌تی توأم با شکلی از تصمیم است.

به عنوان مثال، علل آغاز درگیری و نزاع ممکن است بعدها برای طرفین نزاع یا دیگران احمقانه به نظر برسد، اما در ابتدا چنین نبوده‌اند. برای درک این موضوع نیازمند توجه به نقطه نظرات طرفین و تمرکز بر زمان نزاع و درست پیش از ارتکاب آن هستیم. در زمان ارتکاب، شخص مهاجم ممکن است شکایتی داشته و حمله به منظور جبران بی‌عدالتی صورت گرفته باشد. یا بزه‌کار ممکن است در صدد حفظ آبروی خود متعاقب توهین به وی باشد. به عنوان مثال، شما ممکن است جهت پارک اتومبیل خود در کنار خیابان دقیقی را منتظر خروج اتومبیلی از محل پارک باشید. پس از خالی شدن محل پارک با زدن چراغ راهنما و حرکت با دنده عقب قصد پارک کردن در آن محل خالی را داشته باشید که به ناگاه راننده دیگری که تازه از راه رسیده به سرعت اتومبیل خود را در آن محل پارک کند و در مقابل اعتراض شما، با گستاخی فراوان عمل خود را ناشی از خوش‌شانسی یا زرنگی و مهارت خود و بی‌عرضگی شما قلمداد کند و بدینوسیله شخصیت شما را نزد حاضرین خدشه‌دار نماید و شما را وادار به عکس‌العمل غیر مؤدبانه کند و سرانجام منجر به دعوا شود. هرچند که نتیجه بعداً ممکن است احمقانه به نظر برسد اما در زمان شروع نزاع، وارد شدن درگیری برای طرفین قابل درک و حیثیتی بوده است.

مطالعات فراوان نشان داده است که می‌توان با اصلاح ساختار محیطی و شرایط اماکن از ارتکاب جرایم خشونت‌بار نیز جلوگیری کرد.

مشابه همین امر در مورد جرایم جنسی نیز وجود دارد. فرصتی که منجر به ورود به عنف به منزل اشخاص به قصد سرقت در هنگام شب شده است، می‌تواند زنان بی‌دفاع خانه را در معرض تجاوز جنسی قرار دهد. احتمال دارد که کودکان به وسیله بزرگسالانی که به طور روزمره با آنان سروکار دارند، مورد سوءاستفاده جنسی قرار گیرند و این قبیل متجاوزین نیاز به زمان و شرایطی دارند که مراقبین کودکان در اعمال مجرمانه آنان دخالت نکنند. میزان خشونت‌های خانوادگی نیز بستگی به وسعت حریم خصوصی خانواده و حضور یا غیبت سایر افراد خانواده و همسایگان دارد. گستردگی مزاحمت‌ها و تهدیدهای تلفنی نیز به نحوه دسترسی به تلفن و مهارت شخص تماس‌گیرنده در اختفای هویتش، بستگی دارد. ابزارهای مزاحم‌یاب تلفنی در اکثر کشورها بسیاری از این فرصت‌ها را از بین برده و باعث کاهش فوق‌العاده در آمار چنین جرائمی شده‌اند.

مقایسه ایالات متحده با سایر کشورها، نقش سلاح‌های گرم را به عنوان ابزارهای تسهیل‌کننده قتل و تهاجم شدید نشان می‌دهد. نرخ قتل در ایالات متحده چند برابر انگلستان و سایر کشورهای اروپایی است. به نظر کارشناسان، بالاتر بودن نرخ قتل در آمریکا ناشی از دسترسی گسترده به سلاح گرم است و این امر به معنی آن است که با وجود اسلحه، فرصت انجام حمله سریع و کشنده به وجود خواهد آمد، حتی اگر قربانی از نظر جسمانی قوی‌تر از مهاجم باشد.

نرخ خرید و فروش مواد مخدر و فساد نیز وابسته به فرصت است. به عنوان مثال، فروشندگان مواد مخدر به دنبال تهیه آپارتمان در مجتمع‌هایی هستند که فاقد مدیر باشد. این بزهکاران بر اثر تجدیدنظر در طراحی مجتمع‌های مسکونی، اصلاح سیستم مدیریت مجتمع‌ها و حضور واحدهای گشت پلیس، از فروشگاه‌ها به پارک‌ها و مراکز خرید که فرصت بیشتری را جهت بزهکاری در اختیار آنان قرار می‌دهد، رانده شده‌اند. فحش‌های خیابانی در برخی از مناطق با روان کردن عبور و مرور وسایط نقلیه و از بین بردن ازدحام در حاشیه خیابان‌ها کنترل شده است.

در مورد اهمیت فرصت در کلاهبرداری و جرایم یقه‌سفیدی نیز مطالعاتی آغاز شده است. مثلاً ارائه اظهارنامه‌های مالیاتی، پرداخت مالیات را آسان کرده و از آمار جرایم مالیاتی کاسته است. مطالعات انجام شده در سوئد معلوم کرده که با مرتبط ساختن رایانه‌های مختلف حاوی اطلاعات در مورد درآمد اشخاص، فرصت تقلب مالیاتی (از طریق کمتر نشان دادن درآمد مشمول مالیات)، کاهش پیدا می‌کند. در استرالیا، کلاهبرداری از فروشگاه‌ها از طریق استرداد کالاها، کاهش یافته است. پیش‌بینی امضاهای متعدد در ذیل اسناد و نظارت حساب‌رسان مستقل، به پیشگیری از اختلاس در سازمان‌ها کمک می‌کند. حتی تقلب در مزایده‌ها نیز می‌تواند با تغییر مقررات مربوط به مزایده‌ها و نظارت بر آنها کاهش یابد.

در مجموع، این افسانه که فرصت فقط در مورد سرقت و جرایم علیه اموال مصداق دارد، به سرعت به وسیله جرم‌شناسان محیطی که مطالعات خود را در زمینه گسترده‌ای از جرایم توسعه می‌دهند، در حال ابطال است. هیچ طبقه‌ای از جرایم وجود ندارد که در آن فرصت نقشی را بازی نکند. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۱۲)

اصل دوم - فرصت‌های جرم بسیار خاص هستند.^۱

نباید تصور کنیم که فرصت مربوط به یک جرم به سایر جرم‌ها نیز تعمیم پیدا می‌کند. در واقع، قضیه درست برعکس است. فرصت‌های جرم نوعاً مخصوص یک بزه و یک بزه‌دیده و زمان و مکان خاصی هستند. بزهکار ممکن است در جستجوی مالی برای سرقت در طول یک خیابان خلوت قدم بزند و برایش فرقی نداشته باشد که فرش بدزدد یا زیورآلات؛ از مغازه بدزدد یا از منزل. حتی در صورت سرقت از منزل، ممکن است بزهکاری علاقه‌مند به سرقت وجه نقد باشد در حالی که دیگری دنبال وسایل الکترونیکی بگردد و سایرین فقط جواهرات بدزدند.

¹ Crime opportunities are highly specific

همان‌گونه که پیش از این بیان نمودیم، سارقان مختلف خودرو، جرم مشابهی را انجام می‌دهند اما هدف‌های آنان بسیار متفاوت است و روش‌های ارتکاب آنان نیز با یکدیگر تفاوت دارد.

فرصت ارتکاب باید برای هر دسته از جرایم به طور جداگانه ارزیابی شود. بنابراین، سرقت از دفاتر پست، بانک‌ها، عابرین پیاده یا صف بلیت سینما، از منظر نظریه فرصت، جرایم مختلفی محسوب می‌شوند زیرا شیوه ارتکاب و همچنین روش‌های کاهش فرصت و مهار آنها متفاوت است. حتی هر یک از این دسته‌ها نیز هرکدام به چند گروه قابل تقسیم هستند. بنابراین سارقین داخل بانک باید از کفزن‌ها تمایز داده شوند. از آنجا که جرایم با یکدیگر تفاوت دارند، روش کاهش فرصت ارتکاب آنها نیز بسیار ویژه است. به عنوان مثال، گم‌کردن نیرو جهت صدور قبض در درب ورودی پارکینگ عمومی، می‌تواند در کاهش فرصت سرقت اتومبیل موفق باشد. اما این کار ممکن است تاثیر کمتری بر کاهش سرقت وسایل از داخل خودروهای پارک شده داشته باشد. تجهیزاتی که از سرقت خود اتومبیل جلوگیری می‌کنند ضرورتاً از شکستن شیشه خودرو و سرقت رادیوی آن جلوگیری نمی‌کنند. قفل‌هایی که از سرقت منزل جلوگیری می‌کنند، تأثیری بر سرقت وسایل بر جای گذاشته شده در حیاط پشتی یا پارکینگ منزل ندارند. (فلسون و کلاری، ۱۹۹۸، ص ۱۴).

اصل سوم - فرصت‌های جرم تقارن زمانی و مکانی دارند.^۱

این واقعیت که اشخاص و اموال در سطح شهرها پخش شده‌اند، به این معنی نیست که فرصت‌های ارتکاب نیز به طور مساوی در سطح هر شهر توزیع شده باشد؛ بلکه برعکس، فرصت‌های جرم در محله‌های مختلف به طور متفاوتی توزیع شده‌اند. موارد زیر را می‌توان از دلایل بروز این تفاوت‌ها برشمرد:

¹ Crime opportunities are concentrated in time and space.

- بسیاری از اشخاص و اموال به دلیل خصوصیات خاص خود، آماج مناسبی برای حمله مجرمانه نیستند (مثلاً جوان قوی و ورزشکار آماج مناسبی برای جرم زورگیری به شمار نمی‌رود).
 - بسیاری از مکان‌ها برای وقوع جرم نامناسب هستند (مثلاً اماکنی که در ورودی و خروجی‌های آنها کنترل دقیق صورت می‌گیرد، آماج مناسبی برای سرقت نیستند).
 - یک مکان خاص ممکن است در یک زمان برای جرم مطلوب باشد و در زمان دیگر نباشد (مثلاً به سبب ازدحام و احتمال دستگیری).
 - اشخاصی که ممکن است مانع از وقوع جرم شوند، مانند صاحبخانه‌ها، دربان‌ها، مأمورین پذیرش هتل، یا مأمورین محافظ، در همه جا حضور یکنواخت ندارند، لذا ارتکاب جرم در برخی جاها راحت‌تر و در جاهای دیگر دشوارتر و پرخطرتر است.
 - بزهکاران بالقوه نمی‌توانند در همه جا حاضر باشند و فقط امکان حضور در برخی مکان‌ها را دارند.
- یک سارق زورگیر خیابانی ممکن است در طول روز یا هنگام غروب آفتاب قادر به حمله به یک قربانی ضعیف باشد، به شرطی که بتواند فرصتی را به دست آورد و اشخاص دیگری در محل حاضر نباشند. اما برای حمله به یک قربانی قوی‌تر، وی به زمان تاریک‌تر یا حمله‌ای شدیدتر نیاز دارد. یک سارق منزل می‌تواند در طول روز خیابان خلوتی را پیدا کند و دری را با ضربات لگد بشکند اما هنگام شب باید خیلی ساکت عمل کند.
- در واقع، توزیع زمانی و مکانی مردم و اموال بسیار متغیر است و زمینه را برای ارتکاب جرم در زمان‌ها و مکان‌های معین آماده می‌کند. این امر به توضیح این نکته کمک می‌کند که چرا در یک اجتماع شلوغ و دارای فعالیت روزمره ضرورتاً جرم در هر جا و هر زمانی اتفاق نمی‌افتد و مستلزم تقارن خاص زمانی و مکانی است.

اصل چهارم - فرصت‌های جرم به فعالیت‌های روزمره وابسته هستند.^۱

همان‌گونه که فروشندگان سیار مواد غذایی و نوشیدنی، دنبال جاهای شلوغ و پر مشتری هستند، جیب‌برها و کیف‌قاپ‌ها و برخی دیگر از بزهکاران نیز شلوغی را می‌پسندند. بقیه بزهکاران علاقه بیشتری به مکان‌های خلوت دارند. به عنوان مثال، هجوم مردم به محل کار، موقعیت مناسبی را در اختیار سارقین منازل قرار می‌دهد تا از غیبت ساکنین سوءاستفاده کرده و اموال آنان را مورد دستبرد قرار دهند. هجوم کارکنان مراکز تجاری و صنعتی در هنگام شب و روزهای تعطیل از محل کار به منازل، زمینه را برای استفاده سارقین این اماکن از موقعیت مهیا می‌کند. کسانی که از مترو برای سفرهای مرتبط با جرم استفاده می‌کنند، به جاهایی می‌روند که می‌شناسند، از خطوطی استفاده می‌کنند که بلدند و هدف‌های خود را در طول راه یا مقصدهای آشنا پیدا می‌کنند.

نظریه الگوی، جرم جابجایی بزهکاران را توصیف می‌کند. بزهکاران از خانه به محل کار و از آنجا به محل تفریح می‌روند و سرانجام به خانه بر می‌گردند. در اطراف هر یک از این سه گره و در طول هر سه گذرگاه، بزهکاران در جستجوی فرصت‌های جرم هستند. آنها ممکن است این فرصت‌ها را در فاصله نزدیکی از محل گذر خود پیدا کنند و معمولاً از منطقه‌ای که آن را می‌شناسند، فراتر نمی‌روند. سوال تعیین‌کننده‌ای که باید پاسخ داده شود، این است که کدام فعالیت‌ها و شرایط همجوار و کدام‌ها جدا از هم هستند. بنابراین تأسیس دبیرستان در کنار فروشگاه بزرگ و مرکز خرید، کشرفتن وسایل و خرابکاری و غیبت از مدرسه را ایجاد خواهد کرد. مجاورت دو مدرسه با دانش‌آموزان همسن، ممکن است دعوی روزمره بین دانش‌آموزان را ایجاد کند در حالی که همجواری دو مدرسه با دو مقطع متفاوت، ضرب و شتم دانش‌آموزان جوانتر توسط دانش‌آموزان مسن‌تر را در پی خواهد داشت.

اصول نظریه الگوی جرم برای تهیه نقشه موقعیت جرایم سریالی و سپس تعیین محل کار و زندگی مجرم احتمالی مورد استفاده واقع می‌شود. این پیش‌بینی جغرافیایی

¹ Crime opportunities depend on everyday movements of activity

به تنگ‌تر کردن دایرهٔ مظنونین احتمالی و دستگیری مجرمین کمک کرده و نشان می‌دهد که بسیاری از جرایم غیرعادی می‌تواند از الگوهای بسیار عادی پیروی نماید. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۱۶).

اصل پنجم - ارتکاب یک جرم فرصت را برای جرم دیگر مهیا می‌کند.^۱

با ارتکاب یک جرم، بزهکار به سادگی و به دلیل فرصت‌هایی که در طول ارتکاب جرم پیش آمده، به طور ناخواسته به ارتکاب جرایم دیگر نیز کشیده می‌شود. بهترین مثال در این مورد ورود و ورود به منزل به قصد سرقت است که می‌تواند در همان محل چند جرم دیگر را ایجاد کند از جمله تهدید با اسلحه، ایراد صدمه یا تهاجم جنسی نسبت به ساکنین منزل. ارتکاب یک سرقت نیز جرایم دیگری را ایجاد می‌کند مانند خرید و فروش یا اختفای اموال مسروقه یا استفاده متقلبانه از کارت اعتباری سرقتی. بالاخره، هنگامی که بیش از یک بزهکار وجود داشته باشد، درگیری آنها بر سر تقسیم اموال مسروقه می‌تواند به سهولت به جنایت منجر شود.

هر جرمی می‌تواند موجب بروز خشونت میان شرکای جرم شود، زیرا آنان نمی‌توانند برای حل اختلافات فی‌مابین ناشی از جرم، به دادگاه‌های دادگستری مراجعه کنند، بلکه ناچارند شخصاً اختلافات خود را با روش‌های مخصوص به خود، حل و فصل کنند.

اختفای هر جرم، بزهکاران را در خطر ارتکاب اعمال غیر قانونی دیگر قرار می‌دهد. در موارد زیادی سارق یا متجاوز جنسی به دلیل شناخته شدن توسط بزه‌دیده، اقدام به قتل وی می‌کند. حتی برخی موارد خیلی جزئی مانند تخلفات رانندگی ممکن است شخص متخلف را وادار به افزایش سرعت برای جلوگیری از افشای تخلف و جریمه شدن توسط پلیس کند، همین اقدام ممکن است منجر به تصادف منجر به جرح یا قتل شود که مجازات‌های شدیدتری دارد.

¹ One crime produces opportunities for another

نه تنها بسیاری از جرایم خرد می‌توانند منجر به جرایم مهم شوند، عکس آن نیز صادق است. یعنی ممکن است مرتکبین جرایم مهم در کنار جرم اصلی جرایم خفیف‌تر دیگری را مرتکب شوند. مثلاً متجاوزین جنسی ممکن است اموال قربانیان خود را نیز چپاول کنند یا کسانی که بسته‌های بزرگ مواد مخدر را می‌فروشند، ممکن است مقداری از آن را خودشان مصرف کنند.

به علاوه، برخی جرایم خرد برای جرایم مهم‌تر پوشش ایجاد می‌کنند. پرسه‌زدن، ولگردی، خرید و فروش غیرقانونی و خرده‌فروشی مواد مخدر همگی می‌توانند پوشش برای جیب‌بری، فروشندگی کلان مواد مخدر و پاییدن مردم برای سرقت اموالشان بوده و جرم اصلی مورد نظر را از دید سایرین پنهان سازند. نظریه انعطاف صفر^۱ و نظریه پنجره‌های شکسته^۲ بر اهمیت برخورد با جرایم خرد برای پیشگیری از جرایم بزرگتر بعدی، تأکید دارند و بر همین اساس است که بسیاری از قوانین کیفری به منظور بازدارندگی از جرایم مهم از طریق مجازات جرایم خفیف‌تر، وضع شده‌اند، زیرا در برخی از موارد، جرایم خرد به راحتی گسترش یافته و آثار زیانباری را به ارمغان می‌آورند. به عنوان مثال، رسم یک نقاشی مستهجن بر روی دیوار خیابان شاید مستقیماً منجر به تجاوز جنسی، قتل و آدم‌ربایی نشود اما، وجود صدها تکه تصویر مستهجن در یک منطقه بسیار کوچک می‌تواند به تخریب کنترل اجتماعی کمک کرده و زمینه‌ساز جرایم بسیار مهم‌تر بعدی باشد. نظریه پنجره‌های شکسته ادعا می‌کند که ازدیاد جرایم خرد می‌تواند موجب تباهی یک محله شود. یعنی با احساس اینکه کنترل اجتماعی تنزل پیدا کرده است، بزهکاران از خارج از منطقه به آن وارد می‌شوند و کنترل امور را به دست می‌گیرند. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۱۹)

¹ Zero Tolerance Theory

² Broken Windows Theory

اصل ششم - برخی از محصولات، فرصت‌های وسوسه‌انگیز بیشتری را تولید می‌کنند.^۱

هنگامی که از ویلی ساتن^۲، سارق معروف بانک در آمریکا سوال شد که چرا به بانک‌ها دستبرد می‌زند، پاسخ داد: "چون در بانک پول هست". پول نقد سوژه مناسبی برای سرقت است چون برای تبهکاران ارزش فراوانی دارد و عموماً وجه نقد قابل تبدیل به اموال دیگر است. مدل ویوا که قبلاً بیان شد، الگوی خوبی برای ارزیابی اینکه چه چیزهایی اهداف بهتری برای جرم محسوب می‌شوند، به شمار می‌رود. به عنوان مثال، دستگاه‌های نمایش ویدیویی اهداف بسیار خوبی هستند زیرا قیمت بالا و ماندگاری کمتری دارند. ویدیوها نیز در بسیاری از منازل قابل مشاهده و دسترسی هستند. مثال‌های متعدد زیادی از این تولیدات داغ وجود دارد، نمونه‌های زیر به خصوص در خصوص احتمال سرقت قابل توجه هستند:

- تحقیقات انجام شده در بسیاری از کشورها از جمله تحقیقات اخیر وزارت کشور انگلستان، نشان داده است که مدل‌های خاصی از ماشین‌ها بیشتر از سایر مدل‌ها در معرض خطر سرقت قرار دارند.
- در گذشته در کشورهای اروپایی کامیون‌های حامل سیگار و مشروب احتمال بیشتری داشت که ربوده شوند اما در حال حاضر کامیون‌های حامل وسایل الکترونیکی نیز مورد هدف قرار می‌گیرند.

¹ Some products offer more tempting crime opportunities

² . ویلی ساتن (Willie Sutton) یکی از معروف‌ترین سارقین بانک در آمریکا از اواخر دهه ۱۹۲۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰ است. او در سال ۱۹۰۱ در یک خانواده دو رگه ایرلندی-آمریکایی در محله بروکلین نیویورک به دنیا آمد و چهارمین فرزند از پنج اولاد خانواده بود. او در طول ۳۵ سال دوران بزهکاری خود از بیش از ۱۰۰ بانک در ایالات متحده سرقت کرد و در مجموع بیش از ۲ میلیون دلار به یغما برد. وی دارایی‌های به دست آمده از سرقت را به فقرا می‌داد و شخصیتی شبیه رایینهود داشت. او علاوه بر سرقت از بانک، در فرار از زندان هم شهره بود.

- مطالعات انجام شده در مورد سرقت توسط کارکنان و کشرفتن اجناس توسط مشتریان، هر دو به نحوی هماهنگ نشان داده است که برخی کالاها در مقایسه با کالاهای دیگر، بیشتر مورد دستبرد واقع می‌شوند.
- سارقان منازل به دنبال پول نقد، جواهرات و کالاهای الکترونیکی هستند. همان‌گونه که در بالا عنوان شد، افزایش وسایل الکترونیکی سبک وزن در خانه‌ها به عنوان بخشی از علت افزایش اساسی سرقت از منازل به شمار می‌رود.

این فهرست مختصر نشان می‌دهد که محصولات داغ ممکن است به تبیین الگوی بسیاری از انواع سرقت و همچنین امواج جرم و افزایش جرایم کمک کنند. این محصولات همچنین ممکن است قربانی شدن مجدد را توضیح دهند مانند مواردی که شخصی با مدل مشخصی از ماشین به کرات مورد سرقت واقع می‌شود یا هنگامی که فروشگاه‌های دارای کالاهای جذاب، مکرراً مورد سرقت واقع می‌شوند.

ما می‌دانیم چه تولیداتی جذاب جرم هستند، اما در مورد این‌که چرا جذاب جرم هستند، چیز زیادی نمی‌دانیم. مطالعاتی لازم است تا درک شود که چرا برخی از تولیدات بیشتر از دیگران جاذبه برای جرم دارند. همچنین لازم است مطالعاتی انجام شود تا خواص جرم‌زایی تولیدات جدید روشن شود.

چنین تحقیقی کاربردهای زیادی در امر پیشگیری خواهد داشت که برخی از آنها در مورد تغییر در طراحی محصول خواهد بود که یا داوطلبانه توسط کارخانه‌ها صورت گرفته یا توسط دولت الزامی شود. به عنوان مثال، استفاده از رادیوهای دارای کد امنیتی، سرقت رادیوی ماشین‌ها را تا حد زیادی کاهش داده است. اگر مصرف‌کنندگان متفاوت بودن خطر سرقت در محصولات مختلف را بدانند، اقدام به استفاده از محصولاتی خواهند کرد که با امکانات امنیتی بیشتری ساخته می‌شوند. تغییر در تقاضا، عرضه‌کنندگان را به سوی عرضه محصولات قابل قبول‌تر سوق خواهد داد. به علاوه، فروشندگان جزء نیز تشویق خواهند شد که مطالعات دقیق‌تری در مورد اموال مفقودشده انجام دهند تا در تدابیر امنیتی خود به جای تمرکز بر کل کالاها، بر اقلام

پرخطرتر متمرکز کنند و به این ترتیب با صرف هزینه کمتر بیشترین کارآمدی را کسب نمایند. تحقیقات در مورد محصولات داغ همچنین به اقدامات پلیس در پیشگیری وضعی کمک خواهد کرد (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۲۱).

اصل هفتم - تحولات اجتماعی و فنی فرصت‌های جدید جرم را ایجاد می‌کنند.^۱

فن‌آوری متناوباً محصولات جدیدی را تولید می‌کند، اما بسیاری از این محصولات برای سرقت مناسب نیستند، زیرا بازار عمومی ندارند یا استفاده از آنها بسیار دشوار است. حتی محصولات قابل سرقت نیز اغلب دوره زمانی دارند و مدت زیادی برای سرقت جذابیت ندارند.

برابر مطالعات انجام شده، کالاهای تولیدی در بازار معمولاً یک دوره چهار مرحله‌ای را سپری می‌کنند: مرحله اختراع^۲، مرحله تکامل^۳، مرحله بازار عمومی^۴ و مرحله اشباع^۵.

در مرحله اختراع، محصول به گروه خاصی از مصرف‌کنندگان فروخته می‌شود. محصول ممکن است از نظر قیمت گران بوده و استفاده از آن دشوار و ظاهر آن نیز نسبتاً سنگین و زمخت باشد. این امر پایین بودن موارد سرقت رایانه‌های نسل اول را توضیح می‌دهد. ویدیوهای خانگی اولیه هم فیلم‌های خاصی را نمایش می‌دادند و قابلیت پخش فیلم‌های متنوع ویدیو فروشی‌ها را نداشتند. پس انگیزه‌ای برای سرقت آنها وجود نداشت.

در مرحله تکامل، محصولات با انجام اصلاحات لازم به اشیایی تبدیل می‌شوند که استفاده از آنها آسان‌تر و قیمت‌شان نیز ارزانتر و ابعادشان جمع و جورتر باشد. در نتیجه، بیشتر مردم یاد می‌گیرند که چگونه باید از آن استفاده کنند و یک نمونه از آن را

¹ Social and technological changes produce new crime opportunities

² Innovation Stage

³ Growth Stage

⁴ Mass Market Stage

⁵ Saturation Stage

نیاز دارند و بنابراین دزدان نیز نسبت به آن توجه پیدا می‌کنند. این درست چیزی است که هنگامی که رایانه‌های رومیزی شایع شدند و نمایشگرهای ویدیو و دستگاه‌های سی‌دی‌خوان^۱ افزایش پیدا کردند، اتفاق افتاد.

در مرحله بازار عمومی تنوع محصول بیشتر می‌شود و دستگاه‌های زیادی فروخته شده و سارقین بومی می‌شوند.

در مرحله اشباع بسیاری از افرادی متقاضی محصولات هستند، نمونه‌ای از آنرا در اختیار دارند و سرقت کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، در حال حاضر، نمایشگرهای ویدیویی و لوح‌های فشرده بسیار رایج و نسبتاً کم‌قیمت هستند و سود اندکی برای سارقین دارند؛ ماشین‌های حساب فقط چند هزار تومان قیمت دارند و اکثراً آن را با وجود باز بودن درب روی میز خود بگذارید، کسی آن را سرقت نخواهد کرد.

بسیاری از محصولاتی که زمانی امواج جرم را تغذیه می‌کردند، اکنون در مرحله اشباع هستند و جاذبه کمتری برای سارقین دارند. به همین ترتیب، با هر اختراعی، محصولات جدید در همین چرخه وارد می‌شوند. به علاوه، اقلام با ارزش مانند کیسه هوای ماشین‌ها و رایانه‌های قابل حمل، اهداف با ارزش جدیدی برای سرقت آسان را تشکیل می‌دهند. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۲۳)

تحول در فعالیت‌ها نیز نرخ و نوع جرایم را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مثلاً افزایش کار زنان در خارج از منزل یا افزایش کالاهای با دوام و سبک، فرصت جرم بیشتری را ایجاد می‌کند. افزایش استفاده از اتومبیل قلمرو مجرمین غارتگر را توسعه داده است. میلیون‌ها اتومبیل که بدون محافظ در خیابان‌ها رها شده‌اند، فرصت‌های زیادی را در اختیار سارقین قرار می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۵۷-۱۴۵۳). با وجود افزایش شمار خودرو، این محصول هنوز به مرحله اشباع نرسیده است، بنابراین، سرقت خودرو کماکان برای سارقین مطلوبیت خواهد داشت.

^۱ CD Players

اصل هشتم - جرم می‌تواند از طریق کاهش فرصت‌ها، پیشگیری شود.^۱

اگر این واقعیت که کاهش فرصت‌ها به پیشگیری از جرم کمک می‌کند، وجود خارجی نداشت، هیچ‌کس به خود زحمت نمی‌داد که احتیاط‌های روزمره مانند قفل کردن درب اتومبیل و منازل، نگهداری پول در محل‌های امن، آموزش کودکان برای دوری از غریبه‌ها و مراقبت از منزل همسایه‌ها در غیاب آنها را، انجام دهد. در حقیقت، ما به حکم عقل این دوراندیشی‌ها را در طول زندگی روزمره خود انجام می‌دهیم.

این اعمال ممکن است خطر حمله مجرمانه را به دیگران منحرف کند. برای اجتناب از این امر و به منظور نیل به کاهش‌های کلی در خطر جرم، باید فعالیت‌های گسترده‌تری برای کاهش جرم به وسیله پلیس، دولت و سایر نهادها، انجام شود. این قبیل تفکرات راهبردهایی را در مورد پیشگیری از جرم ایجاد کرده است. مانند: پلیس مبتنی بر حل مساله^۲، معماری فضای قابل دفاع^۳، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۴ و بالاخره پیشگیری وضعی از جرم^۵.

به‌رغم تفاوت‌های موجود در دیدگاه‌های فوق، همه آنها به دنبال کاهش فرصت‌های جرم برای اهداف، مکان‌ها و دسته‌های خاصی از بزه‌دیدگان هستند و هر یک از آنها با پیشگیری از انواع خاصی از جرم سر و کار دارند. هیچیک از این چهار نظریه در صدد اصلاح شخصیت افراد نیستند و همگی در پی انسداد جرم از راه‌های عملی، طبیعی و آسان با هزینه‌های اندک اجتماعی و اقتصادی هستند. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۲۵)

^۱ Crime can be prevented by reducing opportunities

^۲ problem-oriented policing

^۳ defensible space architecture

^۴ crime prevention through environmental design

^۵ situational crime prevention

اصل نهم - کاهش فرصت‌ها، معمولاً منجر به جا به جایی جرم نمی‌شود.^۱

ادعا شده که همه تدابیر کاهش فرصت جرم، یک ایراد اساسی دارند و آن این است که از جرم پیشگیری نکرده بلکه آن را به اطراف منتقل می‌کنند. اصولاً جا به جایی جرم از پنج طریق متصور است:

- جرم از یک موقعیت به موقعیتی دیگر منتقل شود (جا به جایی جغرافیایی).
- جرم از یک زمان به زمانی دیگر منتقل شود (جا به جایی موقت).
- جرم از یک هدف به هدف دیگری منتقل شود (جا به جایی در هدف)
- یک روش ارتکاب جرم به روش دیگری تبدیل شود (جا به جایی تاکتیکی)
- یک نوع از جرم با نوع دیگری جایگزین شود (جا به جایی نوع جرم)، (صفاری، ۱۳۸۱، صص ۲۳۳-۱۹۳)

طرفداران نظریه جا به جایی جرم به نمونه‌هایی از جا به جایی جرم استناد می‌کنند. به عنوان مثال، درست پس از تولید قفل‌های جدید فرمان برای اتومبیل در سال ۱۹۷۱ در انگلستان، اتومبیل‌های قدیمی که این قفل‌ها قابل نصب روی آنها نبود، سرقتشان رو به افزایش گذاشت. از آنجا که پیدا کردن این اتومبیل‌ها برای بزهکاران راحت بود، این جا به جایی چندان عجیب نبود.

اما مطالعات فراوان نشان داده است که جا به جایی یا اصلاً واقع نمی‌شود و یا در حد بسیار محدودی واقع می‌شود. مثال‌های زیر از جمله این نمونه‌ها هستند:

- فرآیند جدید احراز هویت در کشور سوئد، کلاهبرداری از طریق چک را بسیار کاهش داده است و این در حالی است که هیچ‌گونه نشانه‌ای در مورد جا به جایی این جرم به جرایم مشابه و جایگزین، دیده نشده است.
- گسترش شیوه سخت کردن هدف^۲ که در بانک‌های استرالیا انجام شد، نرخ سرقت از بانک‌ها را کاهش داد بدون اینکه افزایشی در نرخ سرقت از سایر اماکن روی دهد.

^۱ Reducing opportunities does not usually displace crime

^۲ . سخت‌تر کردن هدف یا (target hardening) یکی از شیوه‌های پیشگیری وضعی از ارتکاب جرم است.

- اقدام شورای محل در اصلاح روشنایی خیابان‌ها در یک محله قدیمی در ناحیه میدلندز^۱ انگلستان؛ موجب کاهش جرم شده و جرایم مذکور به محله‌های دیگر شهر جا به جا نشده است.
- بهبود روشنایی و چیدمان مجدد دکه‌ها در مغازه‌های تحت پوشش طرح در بیرمنگام^۲ انگلستان، سرقت‌ها را به طور اساسی کاهش داد، اما هیچ مدرکی از جا به جایی جرم به بازارچه‌های مجاور به دست نیامد.
- به دنبال اقدامات موفقیت‌آمیز در خصوص کنترل روسپیگری خیابانی در محله فینسبوری پارک^۳ لندن از طریق بستن خیابان و تشدید اقدامات پلیسی، مدارک اندکی در مورد جا به جایی روسپی‌ها به محل‌های مجاور به دست آمد. براساس گفته محققینی که این تحقیق را انجام داده‌اند، بسیاری از زنانی که در خیابان‌های محله فینسبوری پارک کار می‌کردند، عمیقاً آلوده به روسپیگری نشده بودند. بسیاری از این زنان دیده بودند که روسپیگری راه نسبتاً راحتی برای تشکیل یک زندگی است. هنگامی که شرایط تغییر پیدا کرد و آنان تحت تاثیر قرار گرفتند، مشاهده شد که بسیاری از آنان از این کار دست برداشتند.

این نمونه‌ها و مثال‌های دیگر قویاً ثابت می‌کنند که جا به جایی گاهی اوقات اصلاً اتفاق نمی‌افتد یا کاملاً کمتر از حد تصور واقع می‌شود. این نتیجه‌گیری، حاصل سه تحقیق متفاوت در مورد جا به جایی است که توسط پژوهشگران در کانادا، ایالات متحده و هلند انجام شده است. تحقیق دیگری که برای وزارت دادگستری آلمان انجام شده است، خیلی جدید و جامع است. این تحقیق بیانگر آن است که در ۲۲ مورد از ۵۵ مطالعه انجام شده هیچ مدرکی در مورد وقوع جا به جایی به دست نیامده است. در ۳۳ مطالعه باقیمانده انجام شده، که در آنها مدارکی در مورد جا به جایی جرم به دست آمد،

¹ Midlands

² Birmingham

³ Finsbury Park

به نظر می‌رسد که فقط برخی از جرایم جا به جا شده‌اند. در هیچ موردی تعداد جرایم جا به جا شده با جرایم پیشگیری شده، برابر نبوده است. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۲۹) در مجموع، جا به جایی همواره تهدیدی برای پیشگیری از جرم است، اما دلایل نظری قوی برای این باور وجود دارد که جابجایی کاملاً قابل حل است. به علاوه، مطالعات انجام شده در مورد جابجایی نشان می‌دهد که حتی در مواردی که جا به جایی واقع می‌شود، ممکن است جرم اصلاً به نتیجه نرسد.

اصل دهم - کاهش متمرکز فرصت می‌تواند سبب کاهش مضاعف شود.^۱

به‌رغم اینکه خطر جا به جایی در حدی نیست که زمانی تصور می‌شد، مطالعات مربوط به جا به جایی نتایج جدیدی را نشان داده است. این مطالعات نشان می‌دهد که برخی موارد جا به جایی وارونه واقع می‌شود. یعنی اثر بازدارنده اقدامات پیشگیرانه به موارد دیگر نیز تسری پیدا می‌کند. مثال‌های زیر این امر را توضیح می‌دهد:

- پس از نصب دوربین‌های مدار بسته در سه پارکینگ اتومبیل دانشگاه سوری^۲ لندن، جرم نه تنها در آن سه پارکینگ، بلکه در پارکینگ دیگری هم که تحت کنترل دوربین‌ها نبود، کاهش پیدا کرد.
- با نصب دوربین‌های مدار بسته در پنج اتوبوس متعلق به ناوگان شماره ۸۰ در شمال انگلستان، خرابکاری دانش‌آموزان مدارس نه تنها در اتوبوس‌های دارای دوربین، بلکه در اتوبوس‌های دیگر هم کاهش پیدا کرد (نکته جالب این است که سه اتوبوس از پنج اتوبوسی هم که دوربین داشتند، دوربینشان ماکت بود، نه دوربین واقعی).
- متعاقب نصب برچسب الکترونیکی جلوگیری از خروج غیر مجاز روی کتاب‌های کتابخانه یک دانشگاه در ویسکانسین کانادا، نه تنها سرقت کتاب‌ها

¹ Focused opportunity reduction can produce wider declines in crime

² The Surry University

در آن کتابخانه کاهش پیدا کرد، بلکه سرقت نوارهای ویدیویی و سایر اقلامی که فاقد برچسب مذکور بودند نیز تقلیل پیدا کرد.

- پس از آنکه، یک فروشنده اقساطی لوازم الکترونیکی در نیوجرسی آمریکا روشی را برای شمارش روزانه لوازم باارزش در انبار خود ابداع کرد، نه تنها سرقت این کالاها تقلیل پیدا کرد بلکه کالاهایی هم که روزانه شمارش نمی‌شدند، سرقتشان کاهش یافت.

- بعد از نصب دوربین‌های مربوط به چراغ قرمز در تقاطع‌های خاصی از استرات سلید^۱ اسکاتلند، نه تنها در چهارراه‌ها مردم کمتری از چراغ قرمز عبور می‌کردند، بلکه در سایر تقاطع‌های مجاور نیز عبور از چراغ قرمز کاهش یافت.

- در سال ۱۹۸۴، اجرای مجموعه‌ای از تدابیر پیشگیری وضعی از سرقت در منطقه کیخولت^۲ منچستر انگلستان، سرقت را در کل منطقه نیز کاهش داد.

- پس از تولید و نصب سیستم ردگیری خودروها در شش شهر بزرگ آمریکا، آمار سرقت نه تنها در مورد خودروهایی که دارای این سیستم بودند، بلکه در مورد سایر اتومبیل‌ها نیز کاهش پیدا کرد. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۳۰)

همه مصادیق فوق نمونه‌هایی از مواردی هستند که محققین آن را "انتشار منافع اقدامات پیشگیرانه" می‌خوانند. در کل، این مثال‌ها حاکی از آن است که بزهکاران بالقوه ممکن است از اقدامات پیشگیرانه به کار گرفته شده، آگاه باشند، اما آنان اغلب از محدوده دقیق این اقدامات نامطمئن هستند. آنها ممکن است که این اقدامات را بسیار گسترده‌تر از حد واقعی تصور کنند یا اینکه ملاحظه این اقدامات زحمت ارتکاب جرم توسط مرتکبین را بیش از حد واقعی افزایش داده و موجب انصراف جمعی از بزهکاران از ارتکاب بزه گردند.

¹ Strathclyde

² Kirkholt housing estate

گسترش منافع، جاذبه عملی برنامه‌های کاهش فرصت جرم را بسیار افزایش می‌دهد. این ویژگی اخیراً کشف شده است و هنوز اطلاعات دقیقی از نحوه افزایش آن در دست نیست. شاید یکی از روش‌های قابل‌دسترس، تبلیغات باشد. با اینکه دوربین‌های مدار بسته در میان اتوبوس‌های ناوگان شماره ۸۰، فقط در چند اتوبوس نصب شده بودند، لیکن انجام یک حرکت تبلیغاتی به گسترش منافع پیشگیرانه کمک کرد. روش کار به این صورت بود که یکی از اتوبوس‌های دوربین‌دار به دانش‌آموزان منطقه نشان داده شد و تبلیغات وسیع از طریق روزنامه‌ها در مورد اعلام اولین موفقیت در دستگیری فردی که در اتوبوس تخریب انجام داده بود، به عمل آمد. این امر موجب ایجاد جو روانی بازدارنده در میان دانش‌آموزان مدارس شد. در مقابل باید منتظر بود که گسترش منافع پس از پی‌بردن بزهکاران به دامنه واقعی اقدامات پیشگیرانه، کاهش پیدا کند. در روزهای اول اجرای برنامه اخذ آزمایش بازدم^۱ از رانندگان مظنون به شرب خمر برای پیشگیری از رانندگی در حین مستی، تأثیر بسیار زیادی بر کاهش این قبیل موارد مشاهده شد، اما وقتی که رانندگان دریافتند که هنوز هم خطر دستگیری بسیار اندک است، رانندگی در حین مستی مجدداً افزایش پیدا کرد. این امر ممکن است به معنی آن باشد که باید به دنبال یافتن راه‌هایی برای مردد نگه‌داشتن بزهکاران در مورد سطح دقیق اقدامات پیشگیرانه یا ریسک احتمالی در ارتکاب جرم، باشیم. (فلسون و کلارک، ۱۹۹۸، ص ۳۲).

نتیجه‌گیری

۱. در برخی از مکاتب جرم‌شناسی، تأکید یک جانبه‌ای بر اهمیت نقش عوامل فردی جرم‌زا در تکوین جرم صورت می‌گیرد و نسبت به عوامل محیطی (و از جمله فرصت ارتکاب ناشی از شرایط محیط زمانی و مکانی) عنایت چندانی نمی‌شود. اما، از آنجا که جرم محصول کنش متقابل میان فرد و محیط است لذا شناخت دقیق وقایع مجرمانه، مستلزم شناخت عوامل مربوط به محیط و از جمله فرصت

¹ breathalyzer

ارتکاب جرم است. نظریه فرصت ارتکاب جرم با ایجاد تعادل بین نقش عوامل فردی و عوامل محیطی در ایجاد جرم، به تکوین جرم‌شناسی واقع‌گرا کمک می‌کند و این علم را به مباحثی قابل درک و لمس برای همهٔ آحاد جامعه تبدیل می‌کند.

۲. قبول فرصت به عنوان یکی از عوامل جرم، همچنین افق جدیدی از سیاست‌های پیشگیری از جرم با تمرکز بر کاهش فرصت را به روی جرم‌شناسان می‌گشاید. این سیاست‌ها صرفاً تکمیل تلاش‌های فعلی برای تقلیل تمایلات مجرمانه از طریق برنامه‌های اجتماعی یا تهدید به مجازات نیست. بلکه سیاست‌های مبتنی بر کاهش فرصت ارتکاب، در اوضاع و احوال بسیار نزدیک به واقعهٔ مجرمانه اجرا می‌شوند و بنابراین، شانس بیشتری برای کاهش فوری جرم دارند.

۳. تبلیغ و آموزش بر روی اهمیت و شیوه‌های کاهش فرصت ارتکاب، بخش مهمی از فعالیت‌های مشارکت‌های پیشگیری از جرم و کاهش بزه‌دیدگی را در کشورهای مختلف تشکیل می‌دهد.

منابع و مأخذ:

الف- فارسی

- ۱- سلیمی، علی و محمد داوری، (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی کجروی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، قم.
- ۲- صفاری (دکتر)، علی، انتقادات وارده به پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۴-۴۳، سال ۱۳۸۱، ص ۲۳۳-۱۹۳.
- ۳- نجفی ابرنآبادی (دکتر)، علی حسین، (۱۳۸۳)، تقریرات درس جرم‌شناسی، مجموعه دو جلدی، به کوشش شهرام ابراهیمی.

ب- انگلیسی

- 1- Crime Pattern Analysis; Obtained from: www.crimereduction.gov.uk/learningzone/scppprinciples.
- 2- Felson, M. and R.V. Clarke (1998). *Opportunity Makes the Thief*. Police Research Series, Paper 98. Policing and Reducing Crime Unit, Research, Development and Statistics Directorate.. London: Home Office.
- 3- Routine Activity Theory (RAT); Obtained from: www.crimereduction.gov.uk/learningzone/scppprinciples